

فیلم نامه

## سکانس 1- <--- معرفی مکان لانه موش

### خارج از جو زمین

کره زمین بر صفحه سیاه و پر ستاره ظاهر می شود. در زمین قوقایی به پاست و اشیایی به خارج از جو پرتاب می شود. آرام آرام به زمین نزدیک می شویم. که ناگهان یک کفش به شدت به دوربین بر خورد می کند. دوربین کمی می لرزد و همه جا تاریک می شود. لنگه کفش از دوربین جدا می شود. به حرکت خود به سمت زمین ادامه می دهیم. از ابر ها عبور می کنیم. و از داخل جنگل عبور می کنیم. ناگهان به محوطه ی باز و بدون درخت و سر سبزی می رسیم. یک خانه که دورش حصار دارد و سقفش شیروانی است و در گوشه ای از حصار، یک انباری وجود دارد. حتی یک حلقه چاه هم را می بینیم (وقتی وارد حصار می شویم صدای اردک و غاز و حتی سگ را هم می شنویم). با سرعت در حال نزدیک شدن به دیوار خانه ی شیروانی هستیم و از داخل سوراخ روی دیوار شیروانی به پنجره ی نامتقارنی می رسیم و از آن عبور می کنیم و وارد لانه موش می شویم.

## سکانس 2 <--- وداع با زندگی

### داخلی-لانه موش-روز

لانه ی موش چندان روشن نیست. موش پشت میزی که از جنس کنسرو ماهی مستطیل شکل، نشسته است و دست هایش را زیر چانه هایش گذاشته است و خیلی غمگین به نوشته هایش نگاه می کند. دمش را به سوی جوهر دان می برد و نوک دمش را داخل جوهر دان فرو می کند و دماغش را بالا می کشد. موش زیر کاغذی را

{ که انگار نامه ی خداحافظی و یا وصیت نامه اش است } امضا می کند. تصویر تاریک می شود. ( صدای امضا کردن را به وضوح می شنویم ).

#### داخلی - لانه موش - روز - قاب عکس عروسی

قاب عکس عروسی آن ها را بر روی دیوار می بینیم . { قاب عکس عروسی آن ها که موش و موشی از یکدیگر دورند و دم آن ها کشیده شده و فقط با حلقه ازدواجی با هم ارتباط دارند . شیشه ی قاب عکس ترک خورده و این ترک تا وسط قاب عکس جایی میان موش و موشی تا زیر حلقه آنها ادامه دارد . }

#### داخلی - لانه موش - روز

آقا موشه که با زحمت از روی صندلی با کمک دستانش بلند می شود ( صدای جیر جیر صندلی شنیده می شود ) { هنگام بلند شدن عکس های روی دیوار مشخص می شود } موش که خمیده و سلانه سلانه حرکت می کند به سمت در لانه اش می رود و جلوی در می ایستد و برای آخرین بار به لانه اش نگاه می کند و در حین این که به لانه اش نگاه می کند یکی از قاب عکس ها می افتد و می شکند.

#### **سکانس 3 --- < خودکشی**

#### داخلی - انباری - روز - کنار پنجره انباری

گربه چاق و پشمالو که کنار پنجره انباری در حال چرت زدن است و دمش را خیلی آرام تکان می دهد. یک مگس وز-وز کنار روی دماغ گربه می نشیند و گربه چاق از تنبلی هیچ عکس العملی نشان نمی دهد و بعد چند لحظه مگس بلند می شود و می رود.

#### داخلی - انباری - روز

داخل انباری وسایلی همچون یک کمد قدیمی و کهنه که یکی از در های آن شکسته است و یک آیینه روی در شکسته آن است. یک صندوقچه که پر از وسایلی مثل شالگردن - عروسک - توپ - دستکش - و یک حوله آویزان دیده می شود. یک عروسک قدیمی که روی زمین افتاده است. خرت و پرت های که به دیوار انباری زیر شیروانی تکیه داده شده اند.

#### داخلی - انباری - روز

از پشت خرت و پرت هایی که به دیوار انباری تکیه داده شده صدا هایی می آید. انگار چیزی پشت آن ها در حال حرکت است ناگهان از پشت وسایل دو گربه بیرون می پرند و بعد از آن ها چند تا از آن وسیله ها می افتد و سر و صدا می کند .

#### داخلی - انباری - روز

یکی از آن ها روی خمره ها می پرد و کناره پنجره می رود گربه ی چاق عصبانی می شود و میوی نعره ماندی که ته آن به خمیازه ختم می شود ، می کشد .

#### داخلی - انباری - روز

گربه دومی وسط انباری زیر نور آفتابی که از پنجره به داخل می زند نشسته است و دمش را تکان می دهد و به آن دو نگاه می کند.

#### داخلی - انباری - روز - در لانه موش

در لانه موش را می بینیم که کمی باز می شود نور به داخل می تابد و صدای جیر جیر در می آید .

#### داخلی - انباری - روز - وسط انباری

گربه ای که وسط انباری نشسته است گوشش تیز می شود و جهت گوشش به سمت در لانه موش تغییر می دهد. بعد سرش را بر می گرداند و به آن سو نگاه می کند ( در حین نگاه گربه به در لانه ادامه ی صدای باز شدن در را می شنویم ).

#### داخلی-لانه ی موش- روز

موش جلوی در لانه اش ایستاده است و حالت افتادگی گوش هایش حکایت از خستگی و افسردگی مفرت او دارد. پس از کمی مکث جلوی در لانه ، به سمت تله موشی که در کناری کار گذاشته است ، حرکت می کند.

#### داخلی- انباری-روز

ناگهان گربه ای که در وسط انباری بوده است در پشت موش ظاهر می شود و دم موش را می گیرد . موش نگاهی به دمش می کند و در امتداد دمش ، نگاهی به گربه می اندازد و بعد دمش را گویی که یک چیز اضافه باشد از زیر پنجه های گربه بیرون می کشد و به راه خود ادامه می دهد .

#### داخلی- انباری-روز

هنوز آقا موشه چند قدمی بر نداشته که گربه ی چاق و تپل جلوی موش ظاهر شده و یک نعره ی خشمناک که انتهای آن به خمیازه ختم می شود ، می کشد . (صدا آنقدر شدت دارد که مو های موش را به حرکت وا می دارد) موش به گربه نگاه می کند و پلک می زند و مثل همیشه دماغش را بالا می کشد. انگار برای موش دیگر تفاوتی نمی کند. موش سلانه سلانه با قدی خمیده به حرکتش ادامه می دهد.

#### داخلی- انباری-روز- جلوی تله موش

موش به تله موش می رسد جلوی تله موش می ایستد و در حال نگاه کردن به پنیر می باشد . با دستانش آرام پنیر را لمس می کند و سپس آن را بر می دارد و به سوی بینی خود می برد و آن را لذت می بوید . سپس آن را در دهان گذاشته و می بلعد و سپس بر روی تله موش دراز کشیده و چشمانش را خیلی آرام می بندد .

## داخلی - آتلیه - روز

یک نمای رنگی از موش و موشی ولی به صورت وارونه تصویر آنها را در کادر می بینیم . دوربین عکاسی ابتدا روی صورت آنها zoom کرده است تا حالات چهره نمایان تر باشد و یک بار focus می کند (صدای فوکوس) در این حالت موش و موشی با حالتی خجالت گونه به هم نگاه می کنند . خانم موشی لبخند شرم گونه ای و آقا موش لبخند ابلهانه بر لب دارد.

پس از مدت کوتاهی و نشان دادن حالت چهره ی آنها سپس دوربین عکاسی zoom back می کند به کادر اصلی قاب عکس که نمای تمام قد از آنها را در قاب دوربین عکاسی می بینیم . (صدای shatter دوربین) هم زمان با صدای شاتر لحظه ای تصویر تاریک می شود و زمانی که تصویر روشن می شود دیگر تصویر به صورت وارونه نیست .

دوربین در حال دور شدن از عکس می باشد و ما قاب چوبی قاب عکس را می بینیم و سپس آن قاب عکس چوبی را روی دیوار لانه می بینیم.

در همین روند قاب از حالت رنگی به حالت سیاه سفید مایل به قهوه ای تغییر رنگ می دهد .

## **سکانس 5---< زحمات بیعوده**

### داخلی - لانه ی موش - روز - قاب عکس

زمانی که دوربین در حال zoom back کردن از این قاب عکس است ، قاب عکس های دیگر نیز روی دیوار نمایان می شود . دوربین به سوی قاب عکس های دیگر روی دیوار می رود (صدای کوبیدن در لانه موش) قاب های روی دیوار، با ریتم صدای کوبیده شدن در می لرزند و دوربین به سمت در لانه تغییر جهت می دهد.

### داخلی - انباری - روز - در لانه موش

نمایی از در لانه موش را داریم که موش پشت در ایستاده و در یکی از دستانش یک تکه پنیر است و با دستی دیگر در را می کوبد. و در همین حین چند بار از ترس به پشت سرش نگاه می کند.

### داخلی-لانه موش- روز

در که از شدت کوبش به عقب جلو می رود .

### داخلی-انباری- روز

نمایی درشت از دست موش در حال کوبیدن در.

### داخلی-لانه موش- روز-P.O.V خانم موشی

P.O.V خانم موشی که در حال باز کردن قفل های در لانه است.  
در هنوز باز نشده آقا موشه به سرعت به داخل می پرد. خانم موشه با لرزش و تکان به عقب می رود .

### داخلی-لانه موش- روز-کنار در لانه

آقا موشه خیلی ترسیده است در حال نفس نفس زدن است. نگاهش به خانم موشی می افتد و کمی آرام می شود. آقا موشه با نگاهی مهربان و ابلجانه پنیر رو تقدیم خانم موشی میکنه. با آوایی نا مفهوم ولی با مضمون " تقدیم به تو "

### داخلی-لانه موش- روز

خانم موشی که با اکراه و بی تفاوتی با آوایی به این مفهوم که " این چیه ورداشتی آوردی خونه ، چقدر کوچیکه " پنیر رو از آقا موشی می گیرد. آقا موشه که انتظار چنین حرکت سردی را از خانم موشه نداشت دستانش به آرامی بسته می شود.

### داخلی-لانه موش- روز- کنار میز

خانم موشی کنار میز ایستاده است و نگاهش به سمت پایین است و در حال بریدن پنیر است. آقا موشه به در تکه داده و به خانم موشه با تعجب و بهت نگاه می کند. و خانم موش از کادر خارج می شود. بعد رفتن خانم موشه نیمی از پنیر تقسیم شده، می افتد.

#### داخلی-لانه موش-روز-قاب عکس عروسی

در این قاب خنده ها دیگر آن لطافت را ندارد و حالت ها دیگر مصنوعی هستند و دیگر جهت آنها به سمت یکدیگر نیست و تقریباً به سمت جلو نگاه می کنند که آقا موشه و خانم موشه داخل قاب عکس در حال پلک زدن هستند. حالت چهره و فیگور ها مصنوعی می باشند، انگار این خنده ها زورکی است. بعد تصویر کم کم تاریک می شود. (صدای کوبیده شدن در لانه ی موش)

#### داخلی-لانه موش-روز

در لانه به شدت باز شده و موش سریع داخل می شود و مثل صحنه قبل که داخل می شود خیلی ترسیده است. هنوز چند لحظه ای از داخل شدن موش نگذشته است که گربه ها به در برخورد می کنند و کمی خانه و قاب عکس های روی دیوار می لرزد. حتی آقا موشه و خانم موشه داخل قاب عکس هم می لرزند.

#### داخلی-لانه موش-روز-pov آقا موشه

pov آقا موشه که میز را در وسط لانه می بیند. خانم موشی و بچه ها دور میز نشسته اند و همگی مشتاقانه به تیکه پنیری که در دستان بابا موشه قرار گرفته، نگاه می کنند. از بین افراد دور میز یکی از بچه موش ها مشتاقانه سرش از آن ته بیرون می آورد و سعی می کند تیکه پنیر را ببیند.

#### داخلی-لانه موش-روز-پشت میز

نمای pov آقا موشه که 7 موش گرسنه و مشتاق به طرف غذایی که در وسط میز قرار گرفته، نگاه می کنند.

#### داخلی-لانه موش-روز

نمای درشت از چشمهای آقا موشه که در انعکاس چشم های او گرد و غباری که ناشی از دعوای بچه ها برای تصاحب تیکه پنیر هستند ، دیده می شوند .

#### داخلی-لانه موش- روز- pov آقا موشه

pov آقا موشه گرد و غبار بر طرف شده ، بچه موشها در حال بلعیدن و قورت دادن غذایشان هستند . آقا موشه به طرف غذا نگاه می کند دستش را دراز کرده و باقی مانده ی پنیر (خیلی کوچک) را برداشته و رو به روی چشمانش می گیرد و به پنیر نگاه می کند { پنیر واضح است و background نا مشخص } بعد به افراد خانواده که دور میز نشسته اند نگاه می کند و آنها حریصانه به تنها تکه پنیر کوچکی که در دست بابا موشه است نگاه می کنند. آقا موشه چشم هایش را می بندد تصویر تیره و تاریک می شود . ( صدای قرت دادن )

#### داخلی-لانه موش- روز- قاب عکس

آقا موشه و خانم موشه ی قاب عکس بیشتر از هم جدا شده اند و نسبت به هم زاویه بیشتری گرفته اند . دیگر لبخند ها مصنوعی و حالت چهره ی آقا موشه که خنده ای احمقانه بر لب داشت ، حالا خنده ای غمگین جای آن را گرفته است و خستگی در نگاه او موج می زند . تصویر تاریک می شود .

#### داخلی-لانه موش- روز- دور میز

خانم موشی و بچه ها که دور میز نشسته اند . همه منتظر ورود آقا موش هستند . هر کدام از بچه ها کاری را انجام می دهند. صدای زد و خورد و برخورد و شکستن وسایل از بیرون لانه به گوش می رسد. از شدت سر و صدا ، خانه و حتی وسایل روی میز به لرزه در می آید. همه نسبت به اتفاقات بیرون از لانه بی توجه و بی حوصله هستند .

#### داخلی-لانه موش- روز

ناگهان صدای قاروقور شکم بچه موش تپل که کنار مادر نشسته است توجه همه را جلب می کند. خانم موشه با شنیدن این صدا به بچه موش تپل و ریزه میزه نگاهی دلسوزانه می اندازد.

## پایان قبلی داستان در صفحه پایین

### داخلی-لانه موش-روز

ناگهان با شدت آقا موشه، هراسان و نفس نفس زنان داخل می شود و در دستانش پنیر است و در حالی که به در تکه داده است از حال می رود.

سکانس 6---> خارج شدن از آستانه تحمل

### داخلی-لانه موش-روز-دور میز

خانم موشه پنیر را قسمت می کند و بشقاب صدفی را در وسط میز می گذارد. در یک حرکت سریع چیزی جز تکه ای کوچک باقی نمی ماند. آقا موشه در حین این که می خواهد پنیر را بردارد، خانم موشه با زدن ضربه ای به بشقاب، آن تکه کوچک را به سمت دهان بچه موش تپل که کنار او نشسته است، می اندازد.

### داخلی-لانه موش-روز

آقا موش با عصبانیت از جای خود بر می خیزد و بشقابی که روی میز است را پرتاب کرده و می شکند و صدای شکستن وسایل می آید.

### داخلی-لانه موش-روز-قاب عکس

نمای بعد قاب عکسی است که آنها دیگر متمایل به کنار قاب هستند. سایه اشپایی را می بینیم که به صورت slow motion از جلوی قاب رد می شوند. چشمان موش و موشی با این سایه ها به سمت چپ و راست کادر می چرخد. ناگهان با خوردن شی ای به قاب عکس، قاب کج می شود و فضای داستان به ابتدای فیلم همان طور تاریک و بی روح بر می گردد. چون وقتی قاب عکس کج می شود ترک شیشه ی قاب به انتها می رسد حلقه از دواج آنها از آن بیرون می آید و می درخشد.

سکانس 7---< بازگشت از خیال به واقعیت

### داخلی-لانه موش-روز-کنار میز

نمایی از دوات که حلقه به آن برخورد می کند و دوات را روی کاغذ امضا شده می ریزد.

### داخلی-لانه موش-روز

نمایی که از زاویه ی low angel چسبیده به کف لانه به سمت در نیمه باز که نور به داخل می زند و حلقه از روی میز به زمین افتاده و از در لانه عبور کرده و راهی انباری می شود.

### داخلی-لانه موش-روز

نمایی بسته قسمتی از تله موش و تکه های کوچکی پنیری روی زمین افتاده که حلقه به تله موش خورده و پس از چند چرخش به دور خودش ثابت می شود .

### داخلی-لانه موش-روز

در آخرین نما فضا کاملا تاریک شده و فقط حلقه باقی می ماند و در حال درخشیدن است . در لحظه دوربین خیلی سریع از حلقه دور و دورتر می شود تا اینکه از مردمک چشم آقا موش بیرون آمده و می بینیم که آقا موش ایستاده و در دستش یک بشقاب خالی از پنیر می باشد .

### داخلی-لانه موش-روز

یک نمای بسته از بشقاب و دست آقا موش داریم که بشقاب خالی از پنیر را که قرار بود پرتاب شود را روی میز می گذارد .

پایان